کلگرائی درک انسان؛ اشکال معرفت‌شناختی دراویوس به تحقق هوش مصنوعی

می‌خواستم بخش سوم را عرض کنم. اشکالی که آن آقا داشت هم اشکال معرفت‌شناختی بود و هم اشکال هستی‌شناختی بود. مسأله پایه و ظهور هوش پایه‌محور در آن را عرض کردم، اشکال او چه بود؟ گفت اساساً در معرفت‌شناسی، انسان، ضمیر ناخودآگاه دارد و به‌صورت زمینه‌محور درک می‌کند. شروع کار انسان در درکش، کلگرا است و کل‌نگاه است، نه تحلیل‌نگاه. مثال‌هایش را هم عرض کردم؛ مثال‌های خیلی جذابی دارد. «زید» یکی از آن‌ها است. تا شما طبیعی «زید» می‌گویید؛ باراه امتحان کرده‌ام و یک نفر پیدا نکردم که وقتی می‌گویی‌م پدر و مادر، طبیعی لفظ «زید» را به‌عنوان اسم بچه خود می‌گذارند، نه شخص «زید»ی که از دهان پدر یا مادر در می‌آید، ذهن هیچ‌کدام سراغ این نمی‌رود که «زید» طبیعی نیست، چون خودش سه حرف دارد. یعنی فوری ذهن آن‌ها «زید» را به‌عنوان یک واحد در نظر می‌گیرد و می‌گوید طبیعی دارد و خالص. فوری به کل نگاه می‌کند و کار انجام می‌دهد. بعد که می‌گوی‌یم حالا این طبیعی «زید» که پدر و مادر اسم گذاشته‌اند، مگر خود «زید»، متشکل از زاء و یاء و دال نیست؟ فکر می‌کند و می‌گوید هست. می‌گوی‌یم آن «ز» که جزء این اسم طبیعی «زید» است، «ز»ای است که از دهان مادر در می‌آید یا از دهان پدر؟ یا هیچ‌کدام؟ طبیعی «ز» است. یعنی کاملاً برایش تحلیل شد که طبیعی «زید» مؤلف از سه طبیعی جلوتر از خودش بود: طبیعی «ز»، طبیعی «ی» و طبیعی «د» با ترتیب خاص که طبیعی ترتیب بود - سر جایش این‌ها را خیلی تکرار کرده‌ام - ترتیبش هم طبیعی دارد؛ هیئات، همه، طبیعت دارند. با آن ترکیبش کردی‌م و حالا تازه یک طبیعت شده. ولی وقتی ما طبیعی «زید» می‌گوی‌یم به‌عنوان یک کل به آن نگاه می‌کند و کارش هم درمی‌رود. ذهن به این صورت است. فطرت الهی آن، به این صورت است.

خب آن آقا می‌گوید ذهن ما به این صورت است: زمینه‌گرا است، ضمیر ناخودآگاه دارد و کل‌نگر است. این اشکال معرفت‌شناسی او بود.

بازبینی #2
ایجاد شده 20 آوریل 2025 16:16:24 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 آوریل 2025 17:13:28 توسط ... .